



۲۰۱۹/۰۵/۰۳



مرجان کمال

جنگ میراثی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال



قسمت دهم

جمله یاران تو سنگ اند و تویی مرجان چرا؟
چون تو آبی جزو جزوم جمله دستک می زنند

آسمان با جمله گان جسم است با تو جان چرا؟
چون تو رفتی جمله افتادند در افغان چرا؟



خان و ارتباط سیاسی او در محل:

اساس موقعیت اجتماعی توسط غنای اقتصادی تعیین می گردد، فلذا دستاویز اجتماعی و سمبولیک اعضای یک جمعیت در جامعه دهات و قصبات عبارت از صاحب زمین یا زمیندار و مالدار یا دارای مواشی بودن است.

نظام زمینداری دارای تشکیلات مغلق می باشد و اساساً این نظام تشکیل شده بین زمینداران (zamindâr-s) و دهقانان (dehqân-s)، زارعین و یا اشخاص فاقد زمین گذاشته شده است.

زمینداران بزرگ، خان ها سرمایه اقتصادی قوی را در اختیار دارند که از آن به حیث یک غنای اجتماعی توسط حفظ یک شبکه کارگر (دهقانان و زارعین) وابسته و متکی به آن ها بهره برداری می کنند. این داد و

سند و تأثیر متقابل ناشی از آن، منتج به بدست آوردن یک منزلت اجتماعی گردیده و به این ترتیب اعتبار و موقف سلطه‌گر و قدرت سیاسی او را به اثبات می‌رساند.

«اولیفر روی (Olivier Roy) می‌نویسد: اقتدار در جامعه دهات افغان (دهقانان و زارعین) نه یک مکان است و نه یک شخص، بلکه یک شبکه است که در دادن جواب طفره می‌روند و همیشه جهت استقرار، حفظ و دوام قدرت خود هستند: حفظ و داشتن قدرت، اعتبار و حیثیت، لزوم دید یک تعداد تعهدات و کمک را می‌نماید. قدرت موجودیت نیست مگر توسط اتفاق نظر و اجماع، و هرگز برای همیشه و دوامدار نیست. رابطه رعیت بودن با تعهد توسط سوگند خوردن وجود ندارد. جامعه افغان یک جامعه فیودال نیست، زیاده‌تر غیر موازنه و از نوع تشریفاتی و تعارفی می‌باشد نسبت به یک ساختار متوازن فیودالی». Olivier Roy, OP. cit. p 34- 35

تخصیص وظیفه تقسیمات دوباره مالی برای خان‌ها نقش یا رول برقرار کننده ارتباط با قبیله را داده است. به این ترتیب یک نقش سیاسی در پلان اول را بازی می‌کنند، و مردان قوی در سطح محل اند. (strangman)

اهمیت وسعت شبکه توسط قابلیت و توانایی توزیع دوباره و بسیج نمودن هواداران، طرفداران و اعضای شان نشان داده می‌شود.

هواداران خان یک کتله متجانس را تشکیل نمی‌دهند مگر یک شبکه رقابتی ممکن یا بالقوه (سیال-s- syâl) و یا شرکا (sharik-s) و یا در همجواری، همسایه (hamsâya-s).

پیامد تجمع غنای اقتصادی جهت غنای اجتماعی بنیادی و وسعت آن بالای یک ساحه وسیع با یک شبکه شرکا سبب بسیج نمودن یک گروه بزرگ می‌گردد که در هنگام یک بحران و زد و خورد مسلحانه و یا مقابله با دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد. دقیقاً از سبب این وظیفه سیاسی است که خان رابطه اجتماعی بین اعضای گروه و برقراری رابطه با قبیله را عینیت می‌بخشد. به همین دلیل اصطلاح قوم نظر به تعریف ادیمک (Adamek) که آن را به ایتومولوژی (l'étomologie) اصطلاح فعل عربی قامه (qâma)، برخیزید یا بلند شوید رفرنس داده است، مناسب می‌باشد.

در حقیقت چیزی که تهداب تشکیلات اجتماعی فامیلی ست، برای تشکیل گروه کفایت نمی‌کند، زیرا تشکیلات فامیلی نتیجه ساخت شبکه های فامیلی بدور زد و بند های اقتصادی است و برای اهداف سیاسی بسیج شده است، بدین سان موجودیت قبیله و یا تشکیلات در جامعه خارج از مناطق قبایلی بالای فامیل اتکاء می‌کند، اما جاگزین یک نوع ارتباط می‌گردد که قبل از همه سیاسی می‌باشد. این وسعت سیاسی تشکیلات اجتماعی در محیط دهات و قصبات اساس زیربنا اقتصادی که تعیین کننده اهمیت و وسعت معلق بودن شبکه اجتماعی که توسط قوم تشکیل شده است، را افاده می‌نماید.

بهره برداری از یک تشکیلات اجتماعی:

تقسیم و توزیع غنای اقتصادی:

در محیط پشتون، قشر بندی جامعه، بیان خود را در تضاد بین طبقات سلطه‌گر و طبقات کوچک تر می‌یابد، که تداوم یک تعداد از اعضای مختلف و متنوع را نظر به مناطق و محلات شان مشخص می‌سازد. یک طبقه،

مقام، منزلت و موقعیت اجتماعی بارز خود را (غت قوم) نظر به داشتن سرمایه ارضی که در اختیار دارد بدست آورده است.

مناطق زراعتی، پهناور، آبی و حاصل خیز برای به دست آوردن سرمایه ارضی خیلی مهم است نظر به مالکین که دارای قطعات خورد زمین در مناطق مرتفع و کوهستانی می باشند.

تغییر توانایی مالی به توانایی اجتماعی تابع و وابسته به یک تعداد ارتباطات معین می باشد که سبب وصل یک کلان یا طبقه به محیط اجتماعی گردیده و تحت دو شکل اساسی ارتباطات که عبارت اند از، وصلت یا پیوند و سلطه گری می باشند.

کتگوری اجتماعی همسایه، که از نظر ادبیات ترجمه آن (ساکنین که عین سایه را تقسیم می کنند) که از سرحدات مغشوش در بین گروپ هائی که تشکیل شده اند از یک مجموعه اشخاص که وابستگی فامیلی مانند داشتن یک جد مشترک دارند، مثلاً قوم یا خیل (qawm-s ou khel-s) و یا گروپ های مانند شبکه های وابستگی ها و شناسایی ها را در بر می گیرد. در حقیقت همسایه ها به صفت بیگانه در نزد تشکیلات طبقه بارز می باشند، و این شبکه از اجتماع، توانایی و تحرک برای اجرای کار های شاقه و سخت، چه در چوکات زراعت و مالداري و چه در چوکات کار های خانه را دارا می باشند، تعلق دارند. دست مزد ای که برای شان داده می شود عبارت از داشتن یک سقف یعنی جای برای بود و باش و موادی غذایی می باشد.

در مشاهدات که از جانب ب. گریمه (B. Grima) در سال های 1980 میلادی در بین پشتون های شرق به عمل آمده است، وضع ارتباطی بین کار فرما و همسایه را بسیار وخیم، و موقف یک غلام را افاده نموده است، اما این تعریف همیشه صدق نمی کند، زیرا این کتگوری ها همیشه متجانس نیستند، کتگوری همسایه می تواند از موقعیت بسیار وسیع ساختار اجتماعی - اقتصادی مستفید گردد، و از یک پیشامد مانند یک عضو فامیل برخوردار باشد. بعضاً متعلق به طبقه کوچک تر از عین قوم بوده و زیر دست بودن موقف شان به دلیل این که کار های شاقه را به عهده دارند، آشکار می گردد.

نقش خان به صفت سلطه گر توسط عملکرد سمبولیک که عبارت از نان دادن اعضا، هواداران و طرفداران در محوطه خانه وی در قسمت که برای مهمانان تخصیص داده شده (حجره) نشان داده می شود، زیرا این عمل سمبولیک خان توان مالی وی را بروز می دهد.

خان های که توان مالی زیاد دارند طایفه یا فرقه خورد تر را به خود جذب نموده و به این ترتیب تشکیل فرقه یا کلان بزرگ غت قوم به پشتو را می نمایند که در حقیقت دلالت به یک جریان ائتلاف یا ادغام تدریجی طایفه ها یا فرقه ها می باشد و مطابق به جوابی است که به مقابل فشار های سیاسی مانند توسعه ساختار های دولتی داده می شود.

این پدیده های ادغام موروثی نبوده و می توانند جاگزین ادغام پارچه های ساختاری اجتماعی گردند. تنوع در جوابات که توسط قدرت های محلی در مقابل فشار های وارده دولت داده می شود به چندین کتگوری یل فکتور های اساسی ارتباط می گیرند:

عوامل اقتصادی (ظرفیت و گنجایش توانایی مالی و سرمایه، جهت به وجود آوردن یک شبکه اجتماعی). عوامل که ارتباط به منابع اجتماعی سمبولیک (قدرت و توانایی ارتباطات مثبت، که در اکثر اوقات توسط وصلت ها مانند عروسی به همراهی اعضای هواداران دربار و اطرافیان مقامات حاکم استوار می باشد).

فکتور های که به زد و بند های جیوستراتژیکی ارتباط می گیرند (اهمیت جیوستراتژیکی یک محل و یا موجودیت یک ساختار سیاسی حمایت گر بیرونی یا خارجی مثل امپراتوری قاجار و یا خنت های ازبک (Khanats) در قرن هژدهم میلادی در زمان به وجود آمدن دولت افغان).

اظهارات کریستیان نویل کریمی از ترکیب مجموعی این عوامل نشأت نموده است که آن را «بافت اجتماعی یا ساختار اجتماعی» یک محل یا یک منطقه نامید.

این بافت اجتماعی نتیجه پروسس تأثیرات متقابل که ارتباط دهنده دولت با جامعه و در دراز مدت پدیده های ساختاری دولتی می باشند.

فلهذا درک و فهم به ترتیب که همراهی آن، این پروسس تأثیرات متقابل که منشاء یک تعداد ترکیبات بین سه کتگوری عوامل می باشد، فهمیدن تشکیلات اجتماعی را در داخل ساحه های مختلف سیاسی و اجتماعی افغانستان امروزی و از جمله تشکیلات قبایل را در جنوب و جنوب شرق پشتون خواهیم دانست.

یک کتگوری چهارم عوامل که اخیراً و به تازگی ظاهر گردیده است این تحلیل را پیچیده می سازد.

در واقع همراهی ظاهر شدن سرحدات بین المللی در اخیر قرن نوزدهم میلادی و ظهور نقاط عبور فراسرحدی (transfrontalières) و ظاهر شدن یک غنای اقتصادی که ارتباط می گیرد به عین اندازه به قبایل فراسرحدی جنوب و جنوب غرب و سلطه سالاری (oligarchies) تاجران شمال و غرب. که دلالت به درآمد و عاید، که توسط کنترل و اخذ مالیات از مال التجاره قانونی و غیر قانونی به دست می آید.

عدم موجودیت یا نادر بودن منبع و منشاء تاریخ نگاری (historiographies) جهت داشتن یک دید کلی ما را مقید ساخته است تا بتوانیم به دانستن تشکیلات سیاسی و اجتماعی و دینامیک های که تنوع تشکیلات اجتماعی را در ساحه های مختلف سیاسی دهات و قصبات قبل از جنگ رهبری می نمود، بدانیم. به طور قطعی و مسلم مفهوم و استنباط از قوم و یا جمعیت نشان دهنده یک دسته یا گروه افرادیست که دارای عین رسوم و عادات می باشند.

تمامی این تدارکات تفهیم ناشده و اظهار ناشده، روابط اجتماعی را در داخل جوامع و در خارج جوامع مشخص ساخته و در نتیجه متضمن پیوند بین ساحه سمبولیک - ساحه تعلقات و وابستگی های هویتی و پذیرش و حمایت از ارزش ها - ساحه اجتماعی - ساحه تأثیرات متقابل اجتماعی که عامل تعیین کننده آن سلسله مراتب و قشر بندی ست و دینامیک اجتماعی - اقتصادی - و ساحه سیاسی - ساحه رابطه های قوت بین بازیگران.



ادامه دارد

marjan_kamal_jang_miraasi_10.pdf